بسم الله الرحمن الرحیم درس خارج فقه استاد سید محمد جواد شبیری 4 آبان 1395.

بحث در مورد روایت عمد الصبی و خطأه واحد بود. که آیا این روایت اطلاق دارد نسبت به غیر باب دیات یا اطلاق ندارد و اختصاص به باب دیات دارد. در مورد اینکه مفاد این روایت چیست عمده بحث بحث هایی است که از زمان شیخ انصاری در مکاسب شروع شده است و حواشی مکاسب و کلمات آقایان بعدی که محورش کلمات مرحوم شیخ است. قبل از مرحوم شیخ بحث قابل توجهی در این مورد ندیدم. یک بحث های ریزه کاری هایی هست که به بعضی از آنها در لا به لای بحث اشاره می کنم فقط دو عبارت بود که عبارت قابل توجهی بود که توضیحی در مورد این دو تا عبارت می خواهم بدهم. یکی جامع الخلاف و الوفاق مال سبزواری است یک کتابی است در خلافیات. شبیه مختلف علامه، جامع الخلاف و الوفاق هست که یک عبارتی دارد که من عبارتش را می خوانم

و في الخلاصة: ذبح الصبيّ و المجنون صحيح في قولٍ

نمی دانم مراد از خلاصه چه کتابی است. تعبیر فی قولٍ به تعبیر های علامه حلّی خیلی شبیه است. علامه حلی خیلی وقت ها فی قولٍ، علی رأیٍ و امثال این تعبیرات به کار می برد و مرادش این است که نظر من هم همین است. نمی دانم خلاصه چیست

سؤال:

پاسخ: یک تلخیص المرام علامه دارد حالا این مراد همان تلخیص المرام است؟ عبارت که در تلخیص المرام موجود که نمی دانم تلخیص المرام این بحث ها را دارد یا خیر. عبارتش را در کامپیوتر در منابع موجود نبود. حالا دیگر مال چه کتابی است نمی دانم.

في قول و في غيره أعني الخلاصة المذهب

تعبیر الخلاصه المُذَهَّب است. حالا این هم نمی دانم غلط چاپی است و خلاصه المَذهَب بوده است یا الخلاصه المُذَهَّبَ بوده است. این جوری است بدون ؟؟؟؟(20/2) به همین شکل چاپ شده است. و این جامع الخلاف و الوفاق من یک موقعی این کسی که چاپ کرده بود قبل از چاپ آورده بود که حاج آقا ببیند یک مقداری برگه ها با نسخه اصلی اش بود همین جوری چند صفحه اش را نگاه کردم درست منتقل نکرده بود بعضی جاها نسخه را. می دیدم که عبارت هایش با عبارت های نسخه فرق دارد. همین جوری دو سه صفحه اش را ولی خیلی جدی نگاه نکردم. ولی به نظرم رسید که یک بار دیگر باید نسخه خطی اش مقابله می شده است. به هر حال همچین عبارتی بوده است

لخلاصة المذهب أن ذبيحة الصبيّ المميّز حلال لأنّ عمد الصبي عمد على الأصح

جامع الخلاف و الوفاق صفحه 541. این می خواهد این مطلب را بگوید که بحث عمد الصبی خطأٌ مربوط به باب دیات است. آن روایت اطلاق ندارد که بحث ذبیحه صبی و امثال اینها را در بر گیرد. عمد صبی در اینجا خطأ است. البته یک بحثی در خود همان کتاب الدیات هست بین عامه و خاصه اختلافی هست که آیا عمد صبی به منزله خطا است یا به منزله عمد است آنجا اختلاف اقوالی وجود دارد شافعی مثلا بعضی وقت ها قول های مختلف دارد. در خلاف شیخ طوسی به این اختلافاتی که در مورد اینکه آیا عمد الصبی خطأً یا عمد الصبی عمدٌ اشاره کرده است. ولی در میان اگر مراد از این کتاب هایی که ایشان اشاره می کند کتاب های خاصه باشد، در خاصه اختلافی در این نیست که در دیات عمد الصبی خطأً. ولی در سایر ابواب آیا این حکم جاری می شود یا خیر در دیات مسلم است که عمد الصبی خطأ. و وقتی شیخ در بعضی کلماتشان هست دو مبنا ذکر می کنند. بنا بر این مبنا که بگوییم عمد صبی خطأ است حکم چنین است. بنا بر اینکه بگوییم عمد صبی عمد است حکم چنین است. و خود دیات هم این بحث ها را مطرح می کنند این دو مبنا مال عامه است عمد الصبی عمدٌ. حالا در خاصه اختلافی نیست روایت مسلم متعدد داریم که عمد صبی خطا هست نسبت به خصوص دیات دیگر بحثی نیست که این روایات معتبر مسلم داریم. این است که یا این مال عامه است چون من نمی دانم کتابش چه کتابی است. در این مراجعه کردم به ذریعه شیخ آقا بزرگ، خلاصه المذهب یا الخلاصه المُذَهَّب که نداشت من تمام خلاصه هایش را هم گشتم که ببینم یک کتابی که با این یک ارتباط داشته باشد و اینها پیدا نکردم. نمی دانم این چیست

سؤال:

پاسخ: و فی غیره أعنی الخلاصه، اگر خلاصه باشد که می شود همان خلاصه قبلی دیگر چیز جدید نمی شود که. پیداست که یک کتاب دیگر است فی غیره تعبیر کرده است.

سؤال:...

پاسخ: نه نه بحث صغروی اش را بحث می کنیم که بحث ما ارث است. آن بحث دیات می گویند نه جنایات. بحث این است که دیه جنایات آن مربوط به آن بحث است. حالا اینکه آیا در ما نحن فیه تطبیق می شود یا خیر بحث صغروی است باید بعدا در موردش بحث کنیم. آن را عرض کردم یک بحث کبروی هست که این بحث قواعدی اش است. یک بحث نحوه تطبیقش هست خیلی بحث آن ندارد آن را در موردش صحبت می کنیم. به هر حال یک همچین عبارتی اینجا هست علی ای تقدیر یا این مراد از عمد الصبی عمدٌ علی الأصح این است که سنی بوده است از آن کتاب ها است یا اگر شیعه هم باشد مرادش این است که در این باب خاص در مورد ذبیحه صبی ممیّز اینجا عمد صبی عمد است و آن بحث کلی که گفته است عمد صبی خطأٌ مربوط به دیات است. به طور کلی نیست. خب این یک عبارت

یک عبارت دیگری که عبارتی هست مرحوم محقّق کرکی در جامع المقاصد داریم. تقریبا جزو محققانه ترین کسی که فقه را استدلال هایش را، استدلال های قابل توجهی قرار داده است و خیلی از حرف های از ایشان به یادگار مانده است مرحوم محقق کرکی است در جامع المقاصد. جامع المقاصد محوری بوده است که مسالک مثلا شهید ثانی، شرح لمعه شهید ثانی خیلی از آن متأثر است. خود جامع المقاصد هم خیلی حرفهایش از خودش است و بعضی از حرف های تتبعی اش از ایضاح الفوائد فخر المحققین است. در جامع المقاصد در بحث محرّمات احرام در بحث اینکه آیا اگر صبی محرمات احرام را بیاورد چه حکمی دارد، جامع المقاصد جلد 3 صفحه 120 این عبارت دارد.

و إن فعله عمدا، ففي وجوب الكفارة وجهان، يلتفتان إلى أنّ عمد الصبي عمد أو خطأ

این در واقع مراد این است که در غیر باب دیات هم عمد صبی عمد است یا خطأ است.

و قد أجروه في الدّيات هكذا،

این ضمیر «ه» به این خطأ بر می گردد. یعنی خطا بودن عمد صبی را در باب دیات اجرا کرده اند. آیا در غیر باب دیات هم این مطلب اجرا می شود یا خیر؟

و قواه الشّيخ

یعنی شیخ خطا بودن عمد صبی را تقویت کرده است

بعد أن اختار وجوب كفارته على وليّه

یک سبکی مرحوم شیخ در خلاف دارد گاهی اوقات یک مطلب را می گوید بعد می گوید: «و لو قیل بأن عمد الصبی خطأٌ کان قویٌّ». که اینجا هم همین است فقط خلاف اول این مطلب دارد که کفاره بر ولی هست بعد، اینها گاهی اوقات به خاطر این است که خلاف برگرفته از یک منبع اصلی هست که یک موقعی عرض می کردم ظاهرا منبع اصلی اش بعضی از کتاب های شافعیه است. آن مطلب اصلی را از او ذکر می کند و بعد مطلب خودش را به عنوان یک حاشیه بر آن مطلب می آورد.

سؤال:...

پاسخ: بله لو قیل کان، بستگی دارد لو قیل کان قویا یعنی این کأنه نظر خودش است.

و قوّاه الشیخ بعد ان اخطار وجوب کفارته علی ولیه، بعد أن اخطار نیست فقط ذکر وجوب کفاره بر ولی است.

محتجّا بما روي عنهم عليهم السّلام من أنّ «عمد الصّبي و خطأه واحد»

خب تا اینجا نقل اقوال بود. بعد ایشان خودش وارد بحث می شود. می گوید

و يمكن اختصاص ذلك بالدّيات، لما أنّ القصاص فيه خطر عظيم، و يتدارك فائته بالدّية،

چون قصاص خیلی مهم است و با دیه تدارک داده می شود ممکن است این را اختصاص به دیات بدهیم. این چه می خواهد بگوید؟ ظاهرا می خواهد این مطلب را بگوید که ظاهر روایت موردش دیات است. ما از روایت نمی توانیم القای خصوصیت کنیم. چون دیات یک ویژگی خاصی دارد که خطر عظیمی دارد و شارع مقدس آن خطر را با دیه جبران کرده است. هم خودش امر مهمی است و هم بدل برایش جعل کرده است. این است که در سایر موارد اگر صبی کاری کند اولا نه به آ« اهمیت قصاص نیست نه بدل جعل کرده است. بنابراین القای خصوصیت نمی شود از باب دیات کرد به سایر دیات. خب بگویید که عبارت عموم دارد می گوید

و لا عموم لمثل هذا الحديث،

عمومیت ذاتی ندارد اگر بخواهید عمومیت استفاده کنید باید با القای خصوصیت استفاده کنید ولی این روایت عمومیت ندارد.

ليكون عمومه متمسكا في إسقاط الحكم بالكفارة،

سؤال:...

پاسخ: نه کلی عمد الصبی، وارد روایت چیز نمی شود ذکر نکرده است خصوص این روایت را. حالا چرا لا عموم لمثل هذا الحدیث توضیح نداده است.

خب و یمکن اختصاص ذلک بالدیات یک جهت لما أنّ القصاص فیه خطرَ عظیم. این یک دلیل. یک دلیل دیگر این است،

و لأنّ الصّبي إذا علم ذلك لم يبق له زاجر عن ارتكاب ما يحرم على المكلفين من محرّمات الإحرام.

اگر ذاتا هم کأنه عمومیت داشته باشد یک محذوری در خصوص بحث محرمات احرام هست که اگر شارع مقدس کفاره را برداشته باشد این دیگر بچه خب زاجر ندارد. در واقع آن حکمتی که اقتضا می کند کفاره را برای بزرگتر ها گذاشته باشند بر صبی هم اقتضا می کند که همان حکمت جعل کفاره شود. که توجه دارید که این استدلال خصوص این باب است. به طور کلی دلیل بر این نیست که اصلا عمومیت ندارد و اختصاص به باب دیات دارد. کأنه می خواهد بگوید که اگر هم عمومیت داشته باشد ظاهر بدوی اش این باشد که نفی کفاره از صبی می کند چون نفی کفاره از صبی با حکمت جعل کفاره که زاجریت مکلفین از انجام آنها است منافات دارد نسبت به خصوص محرمات احرام و کفاره باب احرام نمی آید. این مطلبش این جور است.

و مما يدلّ على ما قلناه دلالة ظاهرة انّه

اینکه در کفارات احرام این مطلب نمی آید.

يجب على الولي منعه من هذه المحرّمات، و لو كان فعله خطأ لما وجب عليه المنع،

این فعل صبی اگر در حکم خطا باشد خب کار خطایی انجام داده . کار خطایی که کسی دیگر لازم نیست آن را منع کند. این نکته را توجه فرمایید فعل خطایی یک موقعی است که یک خطایی طرف مرتکب می شود که شارع نسبت به او دیگران را هم مکلّف کرده است. خطایی دارد یکی را می کشد. خطایی دارد می کشد چون دیگران هم مکلف به این نه از باب اینکه نگذارند این خطا کند چون خودشان تکلیف دارند. تکلیف دارند نسبت به اینکه حفظ نفس محترمه کنند. و حفظ نفس محترمه با این است که جلوی این آقا را بگیرند. ولی یک جای دیگر اینکه طرف خطأ دارد شراب می خورد. آیا ما مکلف هستیم برویم بگوییم که چیز نکن. این نه ما دلیل بر این نداریم چون من نسبت به شراب خوردن آن طرف تکلیفی ندارم. عمدا بود از باب امر به معروف و نهی از منکر یا جهل حکمی بود از باب ارشاد جاهل و امثال اینها. ولی جهل موضوعی خارجا خیال می کند که این آب است و دارد می خورد. آن دیگر کسی مکلف نیست که برود بگوید. بعدش هم روایت دارد آن روایت که در مورد غسل هست که می گوید کسی آمد گفت اقا اینجای شما آب نرسیده است امام دست کرد و این جایش را موقع غسل کردن کشید و گفت تکلیف نداشتی وظیفه ای نداشتی که به دیگری متذکر شوی. یا بعضی موارد که ایجاد زحمت کردن برای دیگران است مثلا یادش رفته است روزه دارد و غذا می خورد. آنها که دیگر واضح است و اصلا محرّم نیست چون اصلا در حرمت آن عمد افتاده است. اینها مورد بحث جایی است که حرمت واقعی دارد آن که اصلا حرمت هم ندارد.

لأنّ المخطئ لا يتعلّق به حكم‌ أصلا، و لا يجب على المكلفين منعه، ففي الوجوب قوّة

البته این استدلالات موردی اش درست است یا نیست من نمی خواهم وارد بحث آن چیز ها بشوم. ولی اصل این عبارت در واقع یک سری نکات عام دارد که این است که این نکته اصلا عمومیت ندارد و یک نکات خاص دارد که اگر عمومیت هم داشته باشد در خصوص بحث محرمات احرام با یک محذوراتی روبه رو است که آن محذورات را ایشان ردیف کرده است که اینها مورد بحث قرار گرفته است در کلمات فقها که آن بحثش بماند. خب این عبارت، عبارت های قبلی ها است. تقریبا نکته مهمی قبل از مرحوم شیخ در اینکه چرا عمومیت ندارد نیست فقط یک جایی مرحوم صاحب جواهر استدلال کرده است که اگر این عمومیت داشته باشد باید تکلم عمدی شخص باعث چیز نباشد و نمازش را باطل نکند که عبارتش را قبلا خواندم و اینها. کامل تر آن در کلام مرحوم سید یزدی وارد شده است که آنها را می گذاریم در کلمات آنها بررسی می کنیم. من یک مروری روی کلمات آقایان کرده ام دوازده وجه از مجموع این عبارت های آقایان به دست آوردم. حالا وجه به عنوان دلیل یا مؤید بر اینکه این روای عمومیت ندارد. حالا بعضی هایشان دلیل بر این است که اختصاص به باب دیات دارد و بعضی هایشان عدم عمومیت را استفاده می شود. اختصاص به خصوص باب دیات از آن استفاده نمی شود. حالا دارم یک بار دیگر همه کلمات آقایان را با دقت می خوانم شاید از لا به لای آن یک وجوه دیگری هم پیدا شود. سریع که من مطالعه کردم کلمات آقایان را من دوازده وجه به دست آوردم.

سؤال:..

پاسخ: لازم نیست که مجمل باشد. احیانا ممکن است ظهور در اختصاص ما استفاده کنیم. بعضی هایش دلیل بر اجمال ممکن است باشد. قدر متیّقن آن این است که ظهور در عمومیت ندارد. حالا چه ظهور در اختصاص را ما قائل شویم چه اجمال را بخواهیم، آن که هست نفی ظهور دلیل نسبت به جمیع و احکام و اینها. خب این وجوهی که هست، وجه اول وجهی است که مرحوم نائینی در تقریراتشان هست همین مقدار دارند که چون در بعضی از روایات تحمله العاقله است، این قرینه است بر اینکه این روایت هم اختصاص پیدا می کند. بیش از این در تقریرات توضیح داده نشده است حالا چرا، این مقداری که در تقریرات هست همین مقدار است. خب به این مقدار وجهش ناتمام است خب اینها مثبتین هستند از یک طرف به طور کلی عمد الصبی خطا باشد از یک طرف دیگر در خصوص باب دیات هم عمد الصبی خطا باشد اینها با هم دیگر منافاتی ندارند. این مقدار بیانی که در تقریرات مرحوم نائینی هست، من بعید می دانم که مرحوم نائینی به این مقدار اکتفا کرده باشد. فکر می کنم که تقریرات درست منتقل نشده باشد. بله بعضی از وجوه دیگری که ما می آییم و از کلمات نقل می کنیم ممکن است مرحوم نائینی به آن وجوه ناظر باشد. حالا ما بعدا کلام مرحوم نائینی را با بعضی از احتمالات تکمیل می کنیم. یا نکته دیگری که باز در تقریرات مرحوم نائینی هست که آن هم خیلی ناقص است و من فکر می کنم که اینها باز نیاز دارد به مکمّل هایی که در تقریرات نیامده است. اینکه می گویند کلمه عمد و خطا در چیزهای مربوط به دیات و کفارات احرام در این باب خیلی زیاد به کار رفته است اینها کأنه قرینه است بر اینکه کلمه عمد و خطا انصراف دارد به عمد و خطا در این دو باب. حالا در این باب ها زیاد تکرار شده است قرینه است بر اینکه به طور کلی انصراف دارد این توضیح داده نشده است. عرض می کنم من تصور می کنم که این تقریرات درست مطلب را انتقال نداده است. بعید می دانم ایشان این مقدار مطالب را آسان گرفته باشد.

سؤال:...

پاسخ: نه اینکه عمد و خطا در خصوص آنها چیز کرده است. در آن باب ها کلمه عمد را به کار برده اند. خب عمد به کار برده باشند یعنی اینکه عمد مراد معنای خاص است؟ چه هست؟ یعنی مجرد اینکه عمد و خطا در این باب ها زیاد تکرار شده است چه طوری قرینیت دارد در اینکه اگر در جای دیگر به کار ببرند. در مورد قتل خطایی کلمه عمد را به کار برده باشند. نه کلمه عمد به معنای قتل خطایی باشد. یعنی قتل عمدا یا قتل خطأ به کار برده باشد. خب ممکن است جاهای دیگر هم به کار رفته باشد. حالا می گویم نکاتی دارد اگر تازه اثبات هم شود که در باب های دیگر اصلا به کار نرفته است ایشان می گوید که در باب های مربوط به دیات و کفاره احرام به کار رفته است. چون در جاهای دیگر هم هست مثلا در بحث صوم هست که می گوید صوم تعمد أکل عمدا أکل کند یا خطا أکل کند، جاهای دیگر هم این چیز هست. حالا من صغری اش را نمی خواهم خیلی بحث کنم. ولی اصل این مطلب که چون آنجا در قتل را دو قسم کردیم قتل عمدی و خطایی پس عمد و خطا در همه جا به این معنا است. من عرض می کنم اینها باید بیانات قاصر باشد. بیانات به همان بیانات دیگری که، حالا ما مکمّل را ذکر می کنیم حالا اجازه دهید کلماتی که فعلا آقایان دارند را ذکر کنیم بعد بعضی مکلمات دیگر هم عرض می کنم. خب این دو. مطلب سوم مطلبی هست که در کلام مرحوم حاج آقا رضا همدانی در حاشیه مکاسب هست. ایشان می گوید که این روایت اینکه گفته است عمد صبی و خطای آن واحد است. ظاهرش این است که مراد احکامی است که به عنوان عمد جعل شده است. در مقابل احکامی که به عنوان خطا جعل شده است نه احکامی که، ببینید بعضی احکام هست علی وجه الاطلاق جعل شده است با حدیث رفع قلم یک قسم خاصی اختصاص پیدا کرده است. گفته اند روزه دار، لا یضر الصائم ما صنع اذا اجتمع اربع خصال. یکی اینکه خوردن و آشامیدن و نساء و امثال اینها. خب حدیث رفع قلم می گوید خوردن و آشامیدن و چیز یا سایر روایات، روایات خاصه ای این عموم را تخصیص زده است. این عموم را به یک قسم خاصی مخصوص گردانده است. اینها را شامل نمی شود. باید یک احکامی باشند که ذاتا رو عنوان عمد رفته باشد. یعنی آن دلیل اولیه ای که بر این احکام هست مخصوص عمد باشد. اما احکامی که دلیل اولیه اش اطلاق داشته باشد به جهت ادله ثانویه ای مثل رفع قلم عن الصبی تخصیص پیدا کرده باشد به یک قسم خاص آن را شامل نمی شود. این هم خیلی استدلالی ایشان نیاورده است که چرا باید مخصوص به همچین عمد هایی باشد. من خیلی متوجه نشدم که چرا به قرینه خطا این چه خصوصیتی دارد؟ مگر اینکه کلام بازگشت کند به مطلبی که مرحوم خوئی دارند که خب اگر به آن بازگشت کند عیب ندارد. آن یک وجه مستقل است که آن را بررسی می کنیم. و الا همین مقدار که در این بیان هست را خیلی من متوجه نشدم. خب وجه چهارمی که اینجا هست یک وجهی است که مرحوم آقا سید عبد الحسین لاری در تعلیقات بر مکاسبشان ذکر کرده است من این وجه را خودم قبلا به ذهنم رسیده بود یک کاری در موردش کرده ام که عرض می کنم. ایشان می گوید که کلمه عمد با قصد فرق دارد. عمد و خطا غیر از قصد و لا قصد است. عمد یعنی کار محذور ذاتی را یک موقع عمدا انجام می دهد و یک موقع محذور ذاتی را خطأ انجام میدهد. عمد در مورد گناه است. کاری که گناه هست ذاتا یک موقعی این گناه عمدا انجام می گیرد و یک موقعی این گناه خطأ انجام می گیرد. ولی چیزی که اصلا گناه نیست مثل معاملات. معاملات را انسان عن قصدٍ ممکن است انجام دهد یا عن غیر قصدٍ انجام بدهد. عن قصدٍ انجام دهد صحت برایش مترتب می شود و عن غیر قصدٍ انجام دهد صحت برایش مترتب نمی شود و خطا برایش اطلاق می شود. اینجا اطلاق عمد و خطا در موردشان گفته نمی شود. عمد و خطا در مورد جایی هست که گناهی را انسان عمدا انجام دهد یا خطأ انجام دهد. من قبلا این به ذهنم رسیده بود که تمام موارد عمد و خطا را در روایات بررسی کردم به نظرم این مطلب کاملا درست است. و عمد و خطا در مواردی به کار می رود که گناهی را انسان عمدا انجام می دهد یا گناهی را خطأ انجام میدهد. بنابراین این مطلب، البته این مطلب، این استدلال برای، چون اصل این بحث را مرحوم آقا سید عبد الحسین لاری در بحث مسلوبیت معاملات صبی آورده است. در بحث اینکه آیا معاملات صبی باطل است یا نیست این بحث را آورده است. در بحث معاملات صبی خب اینکه انسان معامله ای را صیغه عقدی را جاری می کند که گناه ندارد. خب این بحث، در آن بحث این مطلب وجود دارد ولی این استدلال دلیل بر این نیست که اختصاص به خصوص باب دیات دارد. چون فرض کنید مثلا کسی می خواهد روزه بگیرد یک موقعی عمدا غذا می خورد و یک موقعی خطأ غذا می خورد. آنجا عمد و خطا در موردش تصویر دارد دیگر. یا مثلا در همین بحث ما نحن فیه که قتل خطایی انجام می شود و قتل عمدی. این بحثی که می گوییم اختصاص به باب دیات دارد یعنی تمام احکامی که، احکام ولو متفرع بر تحقق گناه خطأ باشد به آنها کار ندارد. در ما نحن فیه بحث قتل است و قتل ذاتا حرام است و این قتل حرام ذاتی را یک موقعی شخص عمدا انجام می دهد و یک موقع خطأ انجام می دهد. عمد و خطا احکام مختلفی دارد. یکی اینکه گناه است و معصیت است و یکی اینکه کفاره دارد مثلا. کفاره ای که بر قتل خطا هست و قتل عمد هست و امثال اینها. یکی از آنها ممنوعیت از ارث است. این بیان ایشان در بحث خودش خوب است. ما حالا چون همه این بیانات را بر این بحث آوردیم بعضی هایش در جایگاه خودش است و به بحث ما مربوط نیست. به نظر می رسد که این مطلب درست است که این روایت در بحث معاملات صبیان نمی شود به آن تمسک کرد. بر دال بر مسلوبیت صبیان، مسلوب العباره بودن صبی نیست.؟؟؟05/28

ولی خب دالّ بر اختصاص روایت عمد الصبی و خطأ به کتاب الدیات هم نیست. عرض کردم بعضی از اینها عمومیات را نفی می کند وجوهی که ذکر کردم. بعضی از اینها اختصاص باب دیات را اثبات می کند.

سؤال:

پاسخ: در دایره گناهان. لولا سایر وجوهی که ذکر می کنیم این فقط در جایی که شیئی گناه نباشد و قصد در صحت آن دخالت داشته باشد آنها را ما نمی توانیم نفی آن احکام کنیم.

سؤال:..

پاسخ: یعنی اگر عمدا انجام شود گناه باشد. انجام عمدی اش گناه است از بالغین. بالغان اگر عمدی انجام دهند گناه است دیگر عمد صبی گناه نیست پس احکامی که مربوط به گناه است مرتفع می شود. حالا این احکام ممکن است دیه باشد ممکن است، حالا این بحث هایی دارد ریزه کاری هایی دارد اینکه می گویم

سؤال: مثل خطای بالغین

پاسخ: مثل خطای بالغین انجام می شود حالا در ما نحن فیه این می اید یا خیر بحث هایی دارد که من بعدا در موردش صحبت می کنم. بحث های تطبیقی اش باشد بعد از تمام شدن این بحث ها.

سؤال:...

پاسخ: عمد یعنی انجام عمل محذور ذاتی. عمد و خطا که در مقابل هم هستند. انجام عمدی عمل محذور ذاتی. ایشان یک همچین ادعایی دارد و به نظرم درست هم است. عرض کردم امروز تازه عبارت آقا سید عبد الحسین را دیده ام. من سابق یک بار تمام عمد و خطا ها را کنترل کرده ام به نظرم این مطلب کاملا درست می آمد فقط ندیده بودم کسی بگوید یک مقداری چیز داشتم در گفتنش. می گفتم ادعای چیزی باشد.

سؤال:...

پاسخ: نمی دانم. استعمالاتش این گونه است احتمالاتی که می گویند عمدا فلان کار را انجام دادم یعنی کاری که گناه هست یک موقعی عمدا انسان انجام می دهد و یک موقعی خطأ انجام می دهد.

سؤال:...

پاسخ: نه خارجا استعمالات این جور نیست.

سؤال:...

پاسخ: بله عیب ندارد اشکال ندارد. عمد یعنی مطلب شما درست است اگر این جور می خواهید بفرمایید درست است یعنی کسی که گناه را با قصد انجام دهد این را می گویند عمد. انجام گناه عن قصدٍ. قید گناه در آن خوابیده است. خب این هم وجه چهارم.

وجه پنجم کلام مرحوم آقای خوئی هست که این کلام اقای خوئی را ببینید همین مقدار امروز بس باشد. در کلام حاج آقا این مفصل بحث شده است. در مورد کلام آقای خوئی حاج آقا بحث کرده اند این چون بررسی اش یک مقداری طول می کشد می گذاریم انشاءالله فردا عرض می کنیم. بقیه وجوه را هم اجمالا یک مروری روی آن بکنم وجه ششم کلام مرحوم اصفهانی هست. وجه هفتم کلام مرحوم امام است. وجه هشتم و نهم کلامی است از حاج آقا. وجه دهم و یازدهم دو وجه است از مرحوم سید در حاشیه. و وجه دوازدهم هم از مرحوم سید است. این دوازده وجهی که توضیحش انشاءالله در جلسه آینده.

و صلی الله علی سیدنا و نبینا محمد و آل محمد